



# روزنامه سیاسی کشور شاهنشاهی ایران

همایل ، متن قوانین - تصویب نامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی  
اخبار رسمی - فرمانی - انتصابات - آئین نامه ها - جشن نامه ها - آگهی های رسمی و قانونی سازمانات -

شماره تلفن: ۵۴۴۸-۸۸۹۶ - ۸۸۹۷-۸۸۹۴

۱۳۲۷ آذر ماه ۱۰ شنبه

سال چهارم - شماره ۱۱۰۵

صفحه ۳۲۲۴

وزیر: سید محمد راشمی

روزنامه رسمی

دوره بیانیه قانونکنواری

شماره مسلسل ۱۶۴۳

## فهرست مذکور جات

۱ - بقیه صورت مذکور مذاکرات صدویست و یکمین	جلسه دوره بیانیه	۱۰ نامه
۲ - اخبار مجلس	»	۹ صفحه
۳ - آگهی های رسمی	»	۱۱

ساعت دوم باز اظهار مر حمت کردند و بعضی هم کتبای  
بوده بندۀ تشکر میکنند و خود آنها هم ملنفت بوده اند که  
آنها بندۀ عرض کردم عرايض شخصی و فردی نبودند.  
بندۀ سعی کردم آمال ملت ایران را که یقین دارم و  
مفهوم آمال اکثریت هنگفت نمایند کان مجلس است  
در یک مواردی بسم ملت ایران بر سام - واز این  
لحاظ هیچ حقی برای خود بعنوان اینکه در این مطالب  
بنام نماینده شما صحبت میکنم و بیشتر از آقایان که  
تشrif دارید و با حوصله و ممتاز هرایض بندۀ را  
گوش میکنید قائل نیستم و باز هم تشکر میکنم از حوصله  
ای که فرموده اید و خواهید فرمود که عرايض بندۀ تمام  
پشود و امیدوار هستم که در جلسه امروز سعی  
میکنم این کار را تمام یکنم و اما ابتدائی صحبت  
امروز مبغوعاهم عرض کنم که بندۀ در جریان مذاکرات  
این دو جلسه سعی کردم که حتی الاکان نسبت باشخاص  
هیچگونه اهانتی نکنم و در مورد نام آقای و کبیلی  
هم که از همکاران محترم ماست بندۀ شخصاً نظر  
آهانت و کوچک کردن مقام ممنونی و مادی ایشان  
را ندانشم و آنچه هم که بندۀ عرض کردم لفظ اول  
که گفتم تاجر و رشکته اشتباه خود بندۀ بود و تاجر  
کم سرمایه درست بود که در نظر بندۀ بود، این  
قسم البته همان مطلبی است که مبغوعاهم بگویم و  
اما آنچه زی که مطلوب و منظور من از بردن نام  
ایشان بود این بود که ایشان مرد باطلاع و با تغییر  
و بصیری هستند (صحیح است) و مخصوصاً در امور  
اقتصادی در آن تاریخ یعنی ۱۳۱۴ و ۱۳۱۵ شاید

# مذاکرات مجلس

باقیه جلسه ۱۲۱

صورت مذکور مذاکرات مجلس روز پنجشنبه چهارم آذر ماه ۱۳۲۷

## فهرست مطالب:

۱ - بقیه مذاکره در برنامه دولت

۲ - موقع جلسه بعد تعطیل جلسه بعنوان تنفس

مجلس پنجاه دقیقه قبل از ظهر برایست آقای رضا حکمت (بعنوان بعد از تنفس) تشکیل گردید

رئیس - امروز هم سورتجلسه نیست چون  
عده فانکنکاری در مجالس دنیا تمام شود و حتی  
کار میکنند. چه بسیار اتفاق افتاده که ۲۴ ساعت و  
کاهی شنیده ایم ۴۸ ساعت مجلس کار گردد اند.  
معنایش این نیست که در وسط تنفس نداشته اند یا این  
نخورده اند ولی تنفس میکردن و غذا شارز بخوردند  
و باز برمیکشند کار میکردن. اینست که اگر در

علی و کبیلی - خوب بود ایشان تما بهمیکردن  
بعد بندۀ هرایض را بکردم

رئیس - بسیار خوب آقای مهندس رضوی  
بفرمائید

۱ - بقیه مذاکره در برنامه دولت  
مهندس رضوی - بندۀ بسیار معذرت مبغوعاهم

از اینکه جلسه سوم است که وقت مجلس شورای اسلامی -

ایران را شخصاً مشغول کرده ام (یکی از نماینده کان

بسیار خوب کاری کرده اید) ولی اجازه بفرمائید

اینرا هم عرض کنم که اگر جلسات مجلس شورای اسلامی

منصر به نیمساعت یا یکساعت باشد در این قابل

موارد ابطاله بیش می‌اید (صحیح است) در تمام دنیا

در موادری که یک مسائل مهم مطرح است از قبیل

● بقیه مذاکرات مذکور مذاکرات و یکمین جلسه از بیانیه دوره قانونکنواری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

کرده اند و حالا هم تمام شده بعد که میخواهد از در بروز پیرون میگویند آقای حسنعلی خان از این سهمیه گرفته بود ولی بطوریکه اطلاع داریم نی خواهد از تمام این سهمیه استفاده کنند شما اگر می خواهید استفاده کنید بحسنعلی خان مراججه کنید این هم شق دوم است ، درست ملاحظه فرمودید آقایان محترم یاک روزی بنده در این بارگاه بودم دیدم گفتند که دولت وقت یاک مساعدتی کرده به نمایند گان مجلس میخواهد حق ورود اتومبیل بهنده هم خوشقت شدم برای اینشه یاک دادم میکنند خوب برویم تقاضا کیمی رفتم تقاضا کردم و درظرف ۴۸ ساعت بمن دادند و ببعضی ها هم درطرف دادند ، بنده موفق شدم وارد گنم و بعد رفتم تدبید خواستم ، دادند من خیلی مشتکر شدم ، خبی ممنون شدم ، حقیقته مشتکر شدم ، ولی آقا این چه مانع دارد که فرد ایرانی بخواهد اجازه بگیرد از دولتش و کالای مورد احتیاجش را بیاورد با اجازه بدهند بیاورد ؟ بیاورد (صحيح است) گفتند تو حق داری بسکیمانی بتوسی برای تو اتومبیل بفرستد ، حق هم داری بروی از بازار آزاد ازش وابغیر فقط ایجاده بوداین اوضاع قیمت دارد این اوضاع بما میندادند برای اینکه عجله و کبل بودیم ولی بافراد ملت ایران نمیدادند . فعلا خرید و برو و اتومبیل در ایران منحصر و محدود بیک عدد باشد که آن عدم منحصر و معین اتومبیل را بایران نمیلاید ستد کاره در گمرک نگاهدارند و بعد از آن حداقل ۴ هزار تومان دردست اول استفاده کنند این است طرز عمل دولتها و از این گذشته اجازه اش راه میتوشدند . بهر حال استفاده آن میشود ۱۰۰۰۰۰ تومان واژ این ۲۰۰۰۰۰ تومان اگر ۵۰۰ هزار تومان هم درستگاه دولت خرج گند باز آدم عاقلی است آقایان اینطور هست یاخود؟ (ناینند گان اینطور است) این وضع تجارت ما این طرز عمل حکومتی های ما این طرز استفاده دولت ها از فوایدی است کاز این مجلس گذشت ا است ( اید نصرت استکندری چاره اش را بگویند ) حالا عرض خواهیم کرد آنرا هم میگوییم آنچیزی که بنده هر ض میکنم فقط با دلیل عرض میکنم . مقداری را که مینتوانم با دلیل عرض کنم ، عرض میکنم . او لا مملکت ایران این ارزی که دولت کرده و دو قیمت فروش بآزاده این تقلب است . مملکت ایران حق دارد . بانک ایران حق دارد همانطور که دولت انگلستان کرده و قیمتی که بطلان داده موهم است بازار خارجی که آنهم واقعاً طلا است هر قیمتی که صلاح مملکتش باشد بدهد این مرحله اول قیمتی هم بادان زرود کشش تoman و خردماهی بود و من هنوز آن قیمت را قانونی میدانم بعد از آنکه این کار را کرده باید بگویید که هر کس در ایران یا در خارج از ایران داشت باید بیانکه ما بدهد و قیمت آنرا بگیرد ، اما بانک مال ملت ایران است و قبکه میخواهد بفرش و شد باید بهمه بگویید که قیمت این ارز من مثلا ۱۲ تومان است بای بیست و سه تومان و بهمه علی السوی بفروش

که وزارت کنند اجازه بدھید این آفایان اجازه داده اند این کار شده ، این آفایان محترم که یا با کارت شما و یا با کارت اسلام شما آمدند اند، اینجا است که مشغولیت مجلس را معلوم میکنند زیرا آن مجلسی که دولتها را میآورد و میبرد و نگاه میدارد آن مجلس بوده است که بهر حال و بهر صورت موافقت کرده است حالا من راجع بنوع موافقت مجلس ها هم صحبت نخواهم کرد . خلاصه طبق آنچه در مجله مجمع ملل متفق می بینیم اکریمت مایعت از زندگی یک خانواده منسوبه را قبل از جنگ مینبا فرار دهیم امروز قیمت همان لوازم در ایران ۸ برابر است و در دو کشور مهم چنگیجویی انگلستان و آمریکا کمتر از دو برابر و در ترکیه سه برابر و نیم کمتر از سه برابر و در ترکیه سه برابر و نیم شده است یعنی کشورهاییکه حکومتهای آنها بفرکر نامیں زندگی و رفاه تودهها بوده اند مانع ترقی قیمت مایعت از اولی شده اند ولی در کشور ما دولتها با افزودن مالیاتهای غیر مستقیم بر مایعت اولی زندگی باش رکت در جنبه اقتصادی که بنام انصار و قانونی در اختیار دارند و ضم معیشت توده های بزرگ ملت ایران را بهجاتی رسانده اند که نان و لباس برای ملت ایران امروز جزو گرانبهایین گوهر شب چراغ شده است . در موضوع ارز و سهمیه ها که عرض کردم قرار بود نیم درصد از هر کالائی لاقابل یک نفر داده شود و بعد گفتند این صحیح نیست . با اینکه این هم برای آنها بیکه میخواستند عمل کنند اشکالی نداشت می تقدیم بدلیل درست میگردند تبادی میگرددند شرکت های نظیر خودشان درست میگردند ولی اشکالشان بیشتر از این جهت بود که میباشد در همه این موارد با وزیر مربوطه بازار ند بهمین دلیل از بین رفت ، نتیجه چه شد نتیجه این شد و نکته قابل توجه این است که مملکت ایران و ملت ایران آخر مالت دفعی هستیم ، دولت ما اینقدر دلسوژ است که میگویید فقط هزار کامیون بیاید اینقدر دولت دلسوژ صاحب حساب و بالا ملاحظه ای داریم که میاید برای ما تعیین میکند این وا برای مثال عرض میکنم نیمه ایام چند تا است ، چون نرفتم ناس بکمیرم با این دستگاه آنوقت او میگویند از کامیون هزار کامیون را سه نفر ۴ نفر میروند اجازه اش را میگیرند اما یکی از آنها که از آنها با هوش تر است میاید ۸۰۰ تا کامیون را اجازه اش را میگیرید و تازه اگر این سهمیه را میگیرفت و این ۸۰۰ کامیون را میآورد بالاخره ۸۰۰ کامیون در بازار ایران میآمد و از جیت هر ضریب یک قدمی جلو بودیم اما خیر ۸۰۰ تا اجازه میگیرید و ۱۰۰۰ تا میآورد حالا چه کرده ؟ اولا آن ۷۰۰ تانی که اجازه اش خدمت ایشان است نیاورده و خرجی نکرده و تانیاً جلوش را کفرته که هیچ ایرانی بیواره دیگری آنواند از این فرصت استفاده کند و بیارود و ثانیاً اینکه چون هر ضریب کم شده قیمت کامیون رفته بالا بنده این استدلالی که میکنم اگر یک جایش اشتباه است یا اگر غیر عملی است آفایان بفرمابند ، آفای معین زاده اشتباه است ؟ (معین زاده - خیر ) کار دیگر هم میکند وقتیکه یک ایرانی میورد مراجمه میکند با دارای واردات و میگویید که من میخواهم کالائی وارد کنم باو میگویند سهمیه این کالا تمام شده است ، خوب دفتری است و سهمیه ای تسبیح

بودم ولی گفته بودند از ۳ دیال پیشتر ندهم ولی دستور را کسی اجرا نمیکرد ذیر اگر ۳ دیال میدانداو میمیدار از کرستنکی ولی این ۸ ریالی که تازه کافی بود برای اینکه سر با بایستند و باینهمه جانی که داشت خدمت کند میدادم امروز به آن کار گرچه میدهیم؟ در تهران میدهیم ۵۰ ریال یعنی چند برای اینجا<sup>۱</sup> برای است اما این کار گر در اتفاق ولایات ایران عایداتش بدو تومن زیاده بعضی جاما از ۱۰ دیال هم تجاوز نمیکند و آقایان محترم در بعضی جاماها بدهی ریال هم نمیرسد الان که من خدمت شما هستم (دکتر طبا) در ناین هشت دیال است (در ناین که آقای دکتر طبا هستند ۸ دیال است بس این کار گر و این دهقان<sup>۲</sup> با این ۸ دیال چه باید بگند؟ حالا بنده راجع بکرمان وارد مذاکره نمیشوم این دهقان و این مرد مستمرد بگیر در نتیجه سیاست اقتصادی دولتهاي ایران در نتیجه تدبیر و بصیرت و اطلاع و تجربه و همکاری این آقایان محترم فشاریکه بوجود او وارد بود یکمتر ته این فشار را شا طبق این تتعصبین بنانملی برای ناین که آقایان زدنده ۸ مرتبه بالا بردايد و برای تهران ۴ مرتبه ولی طبق آنچه که همه آقایان می دانند و شخصاً بنده حساب رانکردم برای کلاهای ضروری بدون اغراق باید ۲۰ مرتبه حساب کنیم، یعنی چه؟ یعنی اینکه با حقوقی<sup>۳</sup> دارد آنوقت در ماه میتوانست ۲۰ شب آبکوش بخورد حالا یك شب باید آبکوش بخورد (صحیح است) اگر آنوقت در سال میتوانست یکدست لباس بخورد حالا ۲۰ سال باید این مرد کار بگند تا بتواند بکنه دست لباس بخورد آفانه صاف بدھید این هر ایض من از روی هوی و هوس که نیست این وضع مملکت ایران است این وضع مردم ایرانی است و قفقی که من میگویم ۲۰ سال هم میگند ولی آقا این حقیقته نمیتواند شاید سعی هم میگند ولی آنچه که روز کار بگند لباس بخورد<sup>۴</sup> یعنی اگر هر روز کار بگند هر گز ناخوش شود، اگر اولاد و زن هم نداشته باشد و تازه بخواهد خودش را اداره کند بزمت بتواند یك شلواری بس از چند سال برای خود بخورد<sup>۵</sup> یعنی اینکه آقایان فرمزنوای اقتصادیات ما بودند این آقایان نه تنها در مجلس بلکه در خارج هم العمدالله و جوهای مقدسشان تشریف دارند<sup>۶</sup> این ذرات محترم این مملکت را باین ترتیب آماده کرده اند و اقتصادیات مارا باینجا<sup>۷</sup> رسانده اند، حالا البته میگویند این از روز را باید بکنی بدهند بناجر باید بدهند که بله است بنده گفتم آقا ترا کشور را که من خواهند بخورد چرا بهم اجازه نمیدهید، آمدند اینجا سفسطه<sup>۸</sup> بخوند آنچه این شخص صفت کنم او از هوش خودش استفاده کرد، اما استفاده کرده برای این که ملت ایران را بیشتر زیر فشار بیاورد، بکمله کی کرد؟ بکمل دولت یعنی دولتی که ملت ایران بن و شما اجازه میدهد که با ورقه بدھیه خدمت کند، یعنی همین گرسنه ها که مارا جمع کرده اند فرستاده اند اینجا و گفتند آقایان اگر شادیدیه اینها بخواهند برای ما وزارت گفند و مناسب است

گویید ؟ نفرین باین حکومت و این فکر شاه است که بسیگوید وقتی پسر مرا بردنده چه جو بردنده چند فقهه بردنده و آوردنده چقدر اذیت کردند هر دفعه از من که نه اش بودم چیزی خواستند و بعد از یکندی بدینه دیگر چیزی ندارم فرزند مرا بردنده حالا او را سرگردان و لخت ول سکرده اند حالا بن کدام ارتش است ؟ همان ارتش است که احترام نه نسبت باو صد مرتبه بیشتر از احترامی است که فقایی با اتفاق ایجاع نسبت بآن دارند چرا صد مرتبه بیشتر است ؟ برای اینکه اولاً بنده در همان ارتش خودم خدمت کرده ام و ایشان خدمت نکرده اند ایالیاً من خودم در اروپا با هرمانی زندگانی کردم ام که آنها امروز کشته شده اند و امروز زنده نیستند یعنی اطلاع دارم که آنها در راه وطنشان کشته شده اند رفیق من رفته برای وطنش کشته شده بس وظیفه ملی من است من هم بشر هستم و احساسات ارام آقا جان من باین قشون احترام مبکنم ولی بن است وضع سرباز نگاهداری ؟ نگذارید من باز کنم بعضی حقایق و اسرار را اینها مصالح عالیه کشور است ؟ اینها مصالح هایه آن اشخاصی است که میخواهند بنام مصالح عالیه کشور چراوں کنند شما اگر اختیار دارید قبول کنید این یست را اگر اختیار ندارید که اصلاح کنند و بیغناه خودتان شما چرا را بگیرید از مجلس و بعد هم توانید کار کنید کاهی ما مشنویم که میگویند ما باید صاحب مقاصد بجلل و معترم داشته باشیم اینها از قدیم هستند البته یعنی صحیح است و اینها میخواهند از مملکت دفاع کنند من بنام یک شخصی که شمارا ببارزه میطلبم درین میکنم اگر شما در ایران نهار صاحب منصب ارشد زین تیمارها تو استیه بن نشان بدهید کایهایه که زدن را بمعنای جنگی امروز تو اسند اداره کنند و صحر ایران من اساساً قلم خودم که اینها را نوشتم ام و زبان خودم را میدهم بشما ببرید ۱ ینچنفر ۱ من بینچنفر را گفتم برای اینکه شاید باشد اشخاصی که تحصیل کرده باشند و اینها را بدانند البته شما درین آنها بلي تکنیسین داشتید و دارید که در تو بیغناه اختیار اعانتی دارند ( دکتر معظمی - آقای بهمندس رضوی فراریان شهریور هنوز در سر یست هاستند ) آلت کاما برای هدایت تو بیغناه امروز بیک دستگاهی است برای هدایت تو بیغناه چون تو بیرون ازین مملکت چه کاری کرد تا سر کارمانه ( صحیح است ) یک جوان ایرانی که تحصیلاتی در بیلی تکنیک پارسیس کرده بود یک اختراهی کرده بود و رضا شاه محروم هم با تو جهی کرده بود مکر گذاشتند که این آدم سر کارش بماند آقا نمیگذارند چرا ؟ برای اینکه این بیچاره ها نمیدانند بیاید در این مملکت چه کاری کرد تا سر کارمانه بیچاره میروند خدمت میکنند توی سرش میزنند ( دکتر معظمی - خوب از سرتیپ البرز یاد بگیرید که عفو شد کردن ) شما وقتی که بیلوچستان میروید میشنوید که یک مردی در آن قلمه معروف بنام قنه کوهک هفتاد هشتاد نفر بلوج را که رؤسای بلوج بودند با آنها فرارداد مصالحه بست و قرآن قسم خورد وقتی که آنها را آوردنده حتی نگفت که تبریز ایشان کنند بسر بازان خودش گفت که آنها دا باسر نبزه

( صحیح است ) یکی از آنها بشدت مرض بود احتمالاً مالاریا داشت تازه ۱۰ روز هم بوداگاهنگ آمده بودند این هنگکی است که دوا دارد بهداری دارد، حالا بروید ببینید خرج بهداری ما کوچقدر است شما را بوجدادانشان باین هرایض بنده تووجه کنید این ها را از ما کو مرخص کرده بودند و بهر کدامی ۸ تومان داده بودند که شما بروید ببینید توان ۲۰ دو نفر ایرانی خدمت نظام وظیفه را در سرحد ایران انجام داده اند دو سال و دو ماه هم اضافه که هیچ معلوم نیست طبق چه فانوی است چون قانوناً اختیار ندارند ولی آزراهم چون بند مقننیات مملکتی را اختیار میکنند وارد آن قسم نمیشون دوسال و دو ماه خدمت کرده اند بعد آنها را مرخص کرده اند بهر نفر ۸ تومان داده اند که بروند به یزد آقای سیده امیر احمدی یکی از تیمسارها را پرسید آنچه و بگویند آقا شما با ۸۰ تومان از ما کو بروید ببیند آخر شما تیمسار این شخص هستید ماسرشکر و سرتیپ و سرهنگ برای چه میخواهیم برای همین فتوون میخواهیم میخواهیم این قشون ملی مقدس ما آبرومندانه خدمتش را انجام بدهد ( صحیح است ) آبرومندانه از مملکت دفاع کنند آبرومندانه حفظ حیثیات ملت ایران را بکنند و در عین حال بنام سلطنت ایران خدمت کنند چون سلطان ایران البته مظہر ملت ایران است طبق قانون اساسی ( صحیح است ) ولی آقا شما مکر خجال میکنید مردم خوابید؟ این آقایان محترمی که هر روز از میلهای تجملی سوار میشوند این هیئتنهایی که هر روز بازرسی تشریف میبرند این عده صاحب منصبانی که ما در گوش و کثار خیابانها پیشتر میدیدیم و حالا وقشا نیشتر صرف امور دیگری است صرف فعالیت امور بازار کانی، پله بازار کانی و صرف امور تمیش پله تمیش و دیگر کمتر توی خیابانها هستند اینها برای چه آمده اند برای اینکه این دوسرباز یزدی را در ضمن مدت خدمت نظام سالم و قوی باری اورند اگر مرض هم بدیغت در ده خودش داشته است آن مرعش را معالجه بکنند و سواد باو یاد بدهند ( صحیح است ) بعد وقتیکه خدمت او تمام شد از او بنام ملت ایران تشکر بکنند لباس خوب هم باو بدهند خرچ سفر هم بدهند ( صحیح است ) حتی یقه دهنده با سربرست و مستول او را بفرستند ولی خدا نکند این حرف باعث بشود که یک گروهیان هم سرش بکنند از اینها که تو شن این را تورش بزنند باز هم مشتول بفرستندش برود بمسکن خودش بعد که وارد شد بخانه اش بته اش چه جور صحبت میکند خوب اگر اینجور فرستاده بودید میکفت رفتیم برای مملکتم خدمت کردم بعضی روزها ساعت ۴ از خواب بیدار میشدیم هر روز با میشدیم یک روزی هم بشد نامن کم و زیاد داشت ( حالا این اتفاقی نیست آقا این استمرار است) وحالا برآشته ایم آمده ایس خوب از ما یزدیرانی کردند من گاه داشتند حالا هم خدمتم تمام شده برگشته ام آنوقت نه اش میگفت خدا عمر بدهد بشام مملکت خدا عمر بدهد بسرشکر های امملکت حالا فکر کنید و قوتی این شخص وارد خانه اش بشود خواهش میکنم، باید دقیقه فکر کنید و قوتی اینها او را بشوند بخانه ای خودشان آن غناواده چه میگردید؟ از این قبول خانواده ای زیاد هستند آن غناواده چه می

طوری طرف توجه است که آنجا اصلاحات خارج از مسکن باشی  
سازی است! آنجا شما مسلول و امن منتظر نیشو  
بزرگ شود و کار کند! آنجا از همان بچگی میباشد  
است! شاهی بر پروردید آمایشگاه درست نکنید! فایده دارد، شما آقا دستگاه امنیتی است  
(صحیح است) دستگاه گذاشته ای چه اختصاری داشت  
که بگویید من گداخوازی میکنم! گداخوازی وقتی است  
که جلو گذاشته ای را بگیرند او آنوقت (صحیح است) فخری که یا واقعاً استعداد بدنی نداشتند اندی است  
فکری نداشته اند، یا تجولات روزگار بدرش  
نزدیک، آنها را جمع و جور کنید، از شان یندیرا  
کنید، این میشود گداخوازی در تمام اروپا  
است، اما اگر بناشند که تمام دستگاه دولت و تشرکی خارجیش اصلاً مشغول گذاشته باشند  
این گداخوازی چه منتهی است که بر مردم میگذارند  
(صحیح است) شما تا از راه اقتصاد ۰۰۰ (آقا  
ارباب مهدی) اجازه بفرمایید خواهش میکنم! این آقا دوست  
امروز کارهای خصوصی را فراموش بفرمای  
(خندنه نایندگان) من خوبی هم از سر کار من  
که توجه دارید این کار مال ملت ایران است آقا وزیر  
دارائی، آقا وزیر اقتصاد هم در ظرف  
روز میتوانید از بن، از بی تا سقف این دستگاه  
گذاشته را عرض کنید، شما میتوانید، هم قدر  
دارید، هم اختیار فانوی دارید، هم راه آن  
میدانید، من بی اطلاع نیستم و وقتی که میگوییم  
میدانید و میتوانید بگنید، شما مطلع هستید شایر  
این فسادها و اتفاق هستید شمامیتوانید، شمامی تو  
از زیر بار مسئولیت این گفتارها شاهه خالی بگنید  
یا باید این بنای خانمان برانداز را ازین خراب  
و بیجای آن بیک دستگاهی بگذاردید که مالی و اقتصادی  
پدرد مردم بخورد، یا باید بلکلی دست از این  
بردارید و بگویید دیگر ایندفعه وجود نماند،  
نمیدهد، آقا من جسارت میکنم، من معرف  
میغواهم ولی بیخشید من وظیفه دار هستم که  
مطلوب را اینجا بعرض برسانم من با پیشتر اعف  
این دولت ارتباط خصوصی دارم ولی بین فر  
فانوی داده شده که چند ساعت بعد از نصف  
آمده ام اسم نوشته ام و حالا دربرنامه صحبت میباشد  
و مقام ریاست هم نیافرماشند که خارج از زیرنامه  
میکنند بنابراین من باید جدا کر استفاده از  
البته ممکن بود من این مطالب را در کایه قلب بکش  
در کایه قبترش هم بگوییم ممکن بود در هم  
کایه ای که آمدیم را دادیم بگوییم، برای  
فرق نمیکنند، من تنها با آغازیان و کلا یا وزرائی کار  
هستند، خطاب نمیکنند من بتام آنها که در این دستگاه  
کار کرده اند و مؤثر بوده اند با آنها خطاب میکنم  
خطاب میکنم؟ میگوییم شما اختیارات فانوی خوا  
را برای از بین بردن بینان زندگانی، بینان  
و ازین بردن یا به ملت ایران بکاربرده اید! (ص  
است) بنده اینها را با آنها هم خطاب میکنم و  
دلایل و ارقام با آنها اثبات میکنم! یعنی جوانی د  
آزادی شب آمده منزل من من نبودم این کاغذ را  
این را خدا شاهد است مرای خودم نیخواهم!  
اینکه شما بینید مردم ایران چه جور فکر میباشد  
شما چون جدا شده اید از ملت ایران شما یک  
جهانی شده اید اطلاع نداده اید که مردم عادی چه  
هم از جب خودتان بدید، نه شما را بخدا این کار  
را نکنید من اینها را برای چه میگوییم؟ برای اینکه  
آقا با این طریقه اقتصادی شما این مسلولین را درست  
مکرر، اید! تازه این ۶۷۰ نفر از باشندگان شود  
مسلولین ایران هستند! (صحیح است) و باید عرض  
کنم و یکی از آنها که مورد احترام ادبی ایران است  
است والان در سویس است و امیدوارم که انشاعله  
خوب بشوندو تشریف بیاورند آنها که شناس اینطوری  
داشته اند در اروپا هستند آنها که در درجه دوم  
هستند که یا در طهران سکنی داشته اند یا  
توانستند خود را بطهران بر سانند و حنما  
توصیه داشته اند نمی خواهند هر کنم تقاضی  
دستگرد دانشور بوده است خیر برای اینکه  
هر کنم هست از تقاضی بوده است  
تقاضا زیاد است دکتر دانشور چه کند؟ وقتی من  
مینویسم این را از شخ خواهش میکنم! این آقا دوست  
من است او را بخوابانید چه بخکند دکتر دانشور  
میبینید، وزارت بهداشت هم یاک یادداشت میدهد  
ولی مسلولین فقط اینها نیستند حالا اجازه بهداشت  
طبق اطلاعی که بن رسیده الان در شهر تهران میگویند  
۱۴ هزار نفر مسلول وجود دارد این را که بند میگویم  
این رقمش هنوز بطور تحقیق نیست برای اینکه ما  
آمار نداریم، مارقم صحیح نداریم، شما دار و زارت  
خانه ها کار نمیکنید، شما که از خانه های مردم خبر  
ندارید، وزیر بهداشت دارید البته یاک نفر مرد  
مورد احترامی است خدماتی هم باین مملکت کرده  
است ولی امروز از آن مرد شما چه میخواهید؟ (دکتر  
راجی - استعفه کردن) بهر حال و بهر صورت بنده با  
کمال احترامی که بایشان دارم عرض میکنم که وزارت بهداشت  
و دستگاه بهداشت شما اصلاح اطلاع ندارد وضع مسلولین تهران  
چطور است، حالا این اطلاعی است که میدهنند و بگویند  
۱۴۰۰ نفر است این تعداد مسلولین تهران است  
آقایان محترم تهران بنا بر آنچه مکرر دریشت این  
تریبون گفت شده است شهریست که نسبت به تمام شهرهای  
ایران وضوح مساعد تراست (صحیح است) اولاً کار  
کارخانه های دولت در اطراف هست، کارخانه های مسکن  
سازی که ابر تماد اش کارگردار و موقع خودش نیز  
خواهم گفت که این کار قفل است کارخانه های دخانیات هستند  
هست، یاک کارخانه چیزی هست که نسبت به تمام شهرهای  
کارخانه های دیگری هم هست کارخانه قند هست  
کرج نزدیک تهران است کارخانه های دخانیات هستند  
بنگاه و راه آهن هست عرض کنم حضور تان این ها  
وسائل کار مردم است اولاً این وسائل که هر ض کردم  
میدانید یعنی آنها هستند که بکسب که گرسنگی  
تحمل مکرر و بآن کارخانه بر سر و آنها هم یاک  
سفرارشی داشته باشند ممکن است بگویند یا  
اینجا یاک کاری بگن و یاک نانی بخورد،  
تازه اینها خوش بخت ترین افراد مملکت ایران  
هستند! (صحیح است) حتی همان سکنه چوب شور غیر  
از عده ایشانه تازه وارد هستند که هنوز توانستند  
بوضع خودشان بر سرند و توی این جریان بیفتد.  
حالا این وضع شهر تهران است حالا در شهرستانهای  
شیراز الان آفای احمد غرامی بن نوشته اند  
چهار هزار مسلول دارد، اما کرمان چون صحبت  
مسلولین شد بنده میخواستم راجع بکرمان بگذافم  
توی باغ بوده اند؟ (بله آن بیجاوه هم برای کمک  
این کار را مکرر است حالا هم تشریف بپرید در  
و امر و رها هستند! (دکتر معظمی - صحیح است من  
خودم آنها بودم) حالا نمیخواهند که شما تشریف  
سیده اقطام لطف کنید، خدای نکد که صد هزار

بدهند حق ندارند، کجایی قانون انحصار تجارت همچو جیزی نوشته قانون تجارت دریک ماده‌ای که دارد اینماده را هم خوب درست نشاند هر وقت دولت بمنابع خواست اختبارات انحصاری خودش را شخصاً استفاده نکند آنرا بکسانی به شرکتهای حقوقی و اشخاصی، اگذار حکمه، این تجارت خانه برانداز این قانون انحصار تجارت است یعنی بکسانی که گفتند بر وید کالای ملت را تهی کنید بیاورید هر ضه کنید حتی جازه هم دادند که اگر خودتان نمیخواهید عمل کنید چون دستگاههای اداری پر هر ش و طول است متواترد با شخصیت بدینه، اشخاصی هم معلوم است یکی کنید ازرت، آقای نمازی وارد شد دیگری وارد شد یوش یوش اختیار اینها از دست دولت خارج شد و گذاشتند باختیار شرکتهای تمام وزراء، تمام مقامدان مسئول که این ورقه‌ها را امضاء کردن اینها علی التحقیق با آنها خریک بودند! چرا میگوییم شریک بودند؟ برای اینکه اگر شریک بودند دلیل ندارد چنین موافقتی بکنند؟ قبیله من خودم می‌بینم بنام ملت ایران سواعده نمیتوانم بکنم یا نمیخواهم بکنم یا هرچه اش را ندارم دلیل ندارد که امضاء کنم بگویم آقا توییا بکن (صحیح است) آخرا تو بکن مگر چبست مکر او را از بهشت آورده‌اند؟ پس اینها ساد است اینها دیگر تفصیلی ندارد، اینها را برای ملت ایران درست کرده‌اند، آنوقت چی گفتند آقا؟ گفتند آقا این تشکیلات اقتصادی، کمیلسک است، مشکل است مطالعه اقتصادی مشکل است، باید رفت و نشست و کمپیون کرد اینها تمام دروغ است، هیچ‌طایله حقیقی اقتصادی ندارند، هیچ آمار اقتصادی نداشته و ندارند، آنها را هم که شرکتهای میرفتند با اینهایندند، اغلب مدیر اعمال شرکتهای میرفتند این آمار در جیوهشان بود، حتی مورد عجبی شده بود که بنه خودشان فادر بند و فتند و بکانی، اگذار کردن بنه باید بگوییم که بعضی اشخاص ممکن است شریک نباشند ولی ضعیف باشند! بسیار ممکن است در هیچ حال اشخاص مستضعف باشند ولی شریک نباشند، ولی این مستضعفین هم آقادار اینکار شرکت مسئولیتی دارند چون این قدر ضعف نشان دادن برای چیست آقا؟ شما چرا میگویند آقا کدر را میزد و کران تو میتوانی مردم را بفرستی کنیدا جمع کنی؟ مگر مردم کرمان و زیند نو کر شما بودند کشما آنها را فروختید؟ به آقا قانون انحصار تجارت در این مملکت تمام مردم ایران را برده و بند کسانی کرده که در رأس حکومت نشته‌اند. کسی ملتفت نیست که اخباری آفایان دارند! نمیخواهند بگویند که این اختیار را مداریم. آقای صادقی در کابینه قواه‌السلطنه شدند وزیر اقتصاد، من در حزب نمکرات گفتم که آقا این اوضاع و احوال سراسم آور را باید خاتمه داد و گفتم شما بروید چند نفر تاجر را بدار بزینید! بعد بمن چه، گفتند؟ گفتند کوئی نیست است! افزایشی است؟ این میخواهد چنانکه طبقه ای درست کند! درست تو چه کنید، بعد گفتم بروید دار بزینید قانونش را هم بیاورید در مجلس ماهه رأی خواهیم داد، اما این قسمت دوم را حقیقت اشتباه کرده بودم و اتفاقاً ایشان هم آدم هفای میبینید که بمن و شما اتوییل میزند الان روی چه کارخانه‌های وراثت دارائی، آنوقت هم مثل حال که میبینید سیاست ندارم شروع کردم بکار، بنده نمیخواهم عرض کنم چه دیدم ولی آنجیزی کاحدس کردم این بود که در تجزیه این ادارات هر سندی، هر بروندۀ ای که بدرد مراجعه مردم میخورد از بین رفت این مرحله اول، بعد هم مراجعات این ادارات بهم خورد و مثل دو دستگاه مستقل شد و با هم رقابت میکردند و مشاجره و منازعه، حتی یک اداره حسابداری نوشته شده بود و یک اداره بودجه و اختیارات بگوییم آقا برای فلان موضوع چقدر اختیار دارید، و یکجا میبایست برویم با اداره حسابداری نشسته است، حتی روکفلر دستگاهش برای نشان دادن اختیار دقیقی دارد که در تهران یعنی برای خرج دخانیات اینقدر منظور شده و در صفحه ۲۵ سطر فلان اینقدر گرفته شده این حساب ساده‌ای است که اگر حساب دوبل هم داشته باشد که کار آسان تر میشود، بنده نمیخواهم بیشتر وقت آقایان را بگیرم میخواهم بشما عرض کنم که اینها روی منطق و استدلال دلوزی مردم نبود، اینها برای این بود که از درد شر کنها اهلیحضرت فقید نالیده بود و میخواستند یک صورت ظاهري بهش بدهند و بگویند وزارت نخانه شده وزارت دارائی از آن تاریخ دارای یک اختیارات مطلقه‌ای شد بنده دنباله اش را دیگر نمیخواهم عرض کنم که تمام جریان آنجا چه جود پیش آمد ولی آنچه فهمید و دانستم این است که قلم کسی که بنام اقتصادی امضا میگرد بسیار مختار و مقتدر بود و بسیار ذیقتیم، این را بنده درک رکرم این اختیارات محدود نبود - فرض کنید که اتوییل میخواستند وارد گشته شده و بعده اینها از اداره اتوییل بود تا زدیلک سفارت فرانسه که عمارش را هم چند ماهی نگاهداشتند - حالا هر کس میخواست لاستیک وارد گشته باشد بگویند آقا اجازه بده که لاستیک وارد کنم - هر کس میخواست کاغذ وارد گرد باید بگویند آنها و بگویند آقا من میخواهم کاغذ وارد کنم بهر حال و بهر صورت این ظاهرش هم عیبی نداشت - چون هیئت‌های مدیره هم که خوب کار نکرده بودند خوب عمل نکرده بودند آن هیئت‌های مدیره آن هیئت‌های بازرسی آن شوراهای ظاهرت اینها تمام حقه بازی کرده بودند برای اینکه اینها را مملکت ایران هم اشرا را داشت میدیدند این وزارت نخانه هم مناسفانه بواسطه وجود اختلاف بین اشخاص، بواسطه اینکه ملت ایران از نظر آن اشخاصی که بنام او حکومت میکنند فراموش میشود این وزارت نخانه کار خودش را توانست انجام بدهد و از وظایف خودش باز استاد و باید در اینجا هر ضر کشم کدر آن دستگاه بودند کسانی که با نهایت صداقت و صمیمت خدمات میکردند ولی چون اصل دستگاه خراب بود و بعلاوه هانت و سابقه‌ای که شرکتها گذاشته بودند این بود که میبایست کارها را از راه راست معرف کرد اصولاً این دستگاه هم بزرد ملت ایران نخورد و دنباله آن دستگاه هم هیب است که میبینید الان میبینید که بمن و شما اتوییل میزند الان روی چه

که از کجا آمده و وارد گشته است کی بوده است  
و یک منطق بسیار قوی است که در آن گشته وارد نمی شود  
و ایرادی ندازم . آمدند این اخبارات را دادند  
بقمت اقتصادی دارائی . وزیر دارائی شد صاحب  
اخبار تمام این اختیارات هشت های مدیره . درست  
توجه بفرمانی وزیر دارائی آفای امیر خسروی که  
آفای صادقی هم همانوقت آمدند بوزارت دارائی  
(و من باید تصدیق بکنم که در آن زمان یکی از  
اشخاص بودند که خیلی دقیق میگردند در کامیون  
خودشان) (صحیح است) آمدند آنجا آفای امیر  
خسروی صاحب اختیار تمام هیئت های مدیره بودند  
یعنی اختیار جان ... و قمی میگوییم جان یعنی تا کسو  
نان نخورد جان ندارد این که من میگوییم اختیار  
جان افارق نیست ، اختیار هر کس را داشته باشید  
یعنی اختیار نانش را دارید و اختیار نان هر کس را  
داشته باشید آفای باتمانه لیج اختیار جانش را دارید  
اختیار جان و مال مردم را دادند دست امیر خسروی  
امیر خسروی چه کسی است ؟ من برای شما تعریف  
میکنم : امیر خسروی یک شخصی است نسبت به حسر  
نیت یک احتراماتی هم برای علم و ثوری فائل  
است ولی خودش چیزی از این مطالب سر در نمی آورد  
ولی آن چیزی هایی را که در کتابها نوشته شده است  
قبل میگنند و کافی است که فقط در کتابها نوشته شود  
کتابش هم البته باید فرنگی باشد و آنوقت فوری قبول  
میگنند . بهر حال یعنی از جوانان هم کاخودشان را داد  
حقوق میدانند شاید روی حسن نیت آمدند سازمانی نوشته  
از جمله انتقاد گنندگان آن سازمان همین آفای گلشایان  
بودند در آن زمان ولی ایشان خودشان اولین معاوا  
اقتصادی هستند آمدند آنرا نوشته شده است  
یک مقداری حلقة کشیدند . کاش من دسترسی داشته  
ومباردم برای شما . ازو وزیر دارائی تا آن دائز  
یائین با این حلقة ها بهم مربوط شده بودند . این  
بود وضع ادارات . بنده هم در آن موقع دهون  
شدم و بنده نیخواهم بگویم که چون یک آدم بزرگ  
بودم دعوت شده بودم که فعالیت کنم . خیر د  
وزارت صناعت که بودم اذیتم میگردند . یعنی یک کا  
خوبی میگشتم . ییکی از دوستانم گفتم آندو .  
هم ییکی دیگر آفت و در آن موقع یک مردی  
خواست بن کمکی بگنند گفت کشما رامتنقل میگنم  
تفاضای انتقال مرا کرد . منصور الملک وزیر بیش  
و هنر بود من آدم بوزارت دارائی و رئیس  
کارخانجات شدم . حالا کارخانجات چه بود ؟ میباشد  
انصار دخانیات را طبق این دستوری که آفای  
امیر خسروی داده بودند تجزیه بگنیم . میباشد  
خریدش بشود جزء اداره کل خرید . فروش  
 بشود جزء اداره کل فروش . این دیگر مسخر  
است انبار هایش باید بشود جزء اداره کل انبلا  
ها . کارخانه ها هم باید وزیر نظر پنده باش . چند کارخانه  
هم اضافه کردند و اینها کارخانه ای بود که اضافه  
بود و عدمه خرچش را وزارت دارائی میداد . بنده  
هم اممور رسیدگی کی گردند و نمدادی هم از کارخانجاه  
بنبه شرکت مرکزی بود که چون شرکت منحل شد  
بود کارخانه های دولتی بنبه و برنج را دادند ز  
دست بنده و از کارخانه های برنج فقط یکی در لیگ  
بود که برای نمداد اضافه شده بود کارخانه های مدن  
مردم هم نظارت نداشت با بنده شد ، خوب من شدم رمی

خودش هم بهره برداری میکرد خوب حالا میگفتند و در روزنامه ها هم مینوشتند که خرج دو سه هزار تومان است گفته بود من از باع یار استفاده می کنم و مبلغ این ۱۵ هزار تومان را می کنم این بود که بغال افتاد و آمد و بورفت . برای مثال گفتم که تصور نکنید که این سروص که اینها برای رفتن مکه کردن قلبی و عشقی خیرما اطلاع پیدا کردم یکی از محترمین که بودند آفای قائم مقام الملک بودند که بعده فرزندانشان احترام شده و ماهم خوشبختیم که از همکاران ما مورد احترام قرار گرفته است ز آنجا و پسر ایشان هم که دکتر در طب است معاینه کمک کرده ، از نظر مدوا کمک کرده مطلبی است که قابل توجه است ، و قابل تقدیر ولی بهر حال معلوم بشهود که آقا اولا یا کدهدش تشكیل شد آخر شرکت در مملکت همیشه به تبریز میرسد شما اشتباه میکنید آقایان عجالة چون طوری شده که دولت ها زود زود تغییر می کنند ، بیشتر کتها لازم نیست اصلا چون مقصود میشود شرکت هم لازم نیست چند نفر کار از داد بعضی از اشخاص متین‌تر که الان صورتش پیش است و اگر کسی شکنی کرد میخواهم یکی و مردم ایران را بنام مذهب مقدس اسلام بروانی دور دست و بادیه های بی آب و علف فرسته ( صحیح است ) بر وید آفای صدر الاشراف به بینید من مدت‌ها است که ایشان را ندانی از وقتی هم که برگشته اند ایشان را ندانی سبقتاً من با ایشان ارتباط مخصوص داشتم ایشان اموری اداری من بودند و حسابات خیلی بود من با ایشان ارادت دارم شاید ایشانم از این اداری من راضی باشند بهر حال مقصود این که هیچ بغض و حسدی در کار نیست و بهترین انتظار که دولت همیشه کرد همین بود برای اینکه اول فاقیه کردن ایشان بقول نکردن بدهد ایشان را فراز و اگرچه بعضی از اشخاص محترم دیگر هم استعداد داشتند بخصوص از جهت زبان و شناختن مکان ساده شدنی اداری اینها مسلم است یک مرد شایسته که همان مقامات و سوابق قبلی وهم از جهت اطلاعات بتوانند اینها باشد خود آفای صدر الاشراف مستند ( نایاب صبح است ) ولی بر وید بینید چه شده این و کار از دارها اولاً اینها را برند آنجا و مبالغه که باید این السعودینوان مالیات بپردازند تامین نک من یادم است که در روزنامه آنکه بشد کما داریم چادر داریم آب خوردن داریم ولی بعد دیدیم اینها در خود بودند همانطور که گفتم آن لا هیچجا خودش را ۲۴ ساعته باینجا بسازند او اصلاحات روزنامه نمی خوانند که این حرف هارمش بشدگار میگفت هر راه می خواهی صد تومان زیادتر آب هم می خواهد و همانطور که گفتم آن لا هیچجا هم می خواهی صد تومان زیادتر آب هم می خواهد که لابد میگفت هزار تومان زیادتر بسیار خوارا گرفت هر راه و آب و همادر که اطلاع ندار باشند ، آنچه مسلم است حقوق دولت مسودی ندادند برای اینکه این شرکاه زحمت کشیده

تمام میکنم آقا بینه از آقایان متشرکم حکمه توجه میفرمایند ( فرامرزی — صحبت مقدمه همین است که شما میفرمایید ) هر ض میکنم وقتی که حکومت گذشته تشکیل شد بواسطه اوضاع خاصی که غلا برای ملت ایران تشریع نمی کنم گفتند آفای وزیر به منصب علاقه ندارد جطور است و همچو ایشان هم ابته ترسید من نمی دانم اگر ترسید کاری نداشت ایشان مرد مسلمانی بودند پدرش هم مسلمان بود اتو میلش را سوار بشد میفت قم خدمت آیة الله هائی که آن جا داریم آیت الله بروجردی آیت الله صدر بنام نخست وزیر هم میفت مانع نداشت این ها مقامات شرعی هستند چون این ها مردمان مذهبی هستند میفت حرفا هایش را می زد می کفت صحبت میکردو سوچ تفاهات را فارغ میکردم مطمئن میشدم اگر ایشان هم خدمت ملی یکشند ابته آقایان آیة الله ها ها زاویه توییمی کنندزیر اگر نکند مر جعیت نیستند ایشان این کار را انکار کرد اینها بجهت خودش تو میلش را سوا شود بر ودم گفت خوب حالا که مملکت دست

ماست را دید و دست ماست کار دیگری میکنیم هی گفتند و توی روزنامه ها نوشتند کمیسون ن لشکر اربع بمکه این چه ظایری دارد؟ شاید ایند کامروز درد هم روز نامه هارا با سوادهایم و اندودی میکردم مطلع بشوند متساهنه یاخو شیخناه مردم گفتند خوب دولت ماست بمنازد چند سال که آن اتفاق ناگواریش آمده و مارا بطن بادوات سودی قطع شده بود حالا وزیر مختاری آمده بعض اینکه اینجا نیستند هم امیر سیون « اول یعنی اثر اولی که در شان کرد این بود که می توانند بروند ولی بعد چنان این تبلیغات شدید شیخناه را دید و روز را بیان کرد که میکرد اگر من زد و دروغی است اسمش را گذاشت اند کار و من این ها را مطالعه کردم و هه سال متجاوزاً زیارت شد سال است از ۱۲۱۵ تا ۱۳۲۷ دوازده سال است در دوره دویم که وارد خدمت دولت ایران شدم هم اینها در نظر داشتم ، مطالعه میکردم ، نگاه میکردم و امروز که به همت مردمان کرمان و مقتضیانی که در موقع به من مساعدت کرد و من همیشه وهن منت آنها هستم بن این فرصت را داد که در یست این تربیتون اینجا توانسته ام این هرایض را باطلع ملت ایران بر سام و این مطالبه را بگویم ، والا با آفای سعادت که خصوصی ندارم ، اغلب آقایان یامن رفیق بودند ، بعضی از آنها سایلان در از یامن همکار دارند ، آفای امامی با من همکار بودند ، تنها کسی که تعاس اداری نداشتند آفای سعادت و آفای ازامه و آفای احمدی هستند و الا دیگر آقایان با من رفیق بودند و آفای سعادت و آفای ازامه شما هستند ( خنده نایاب کان ) آقایان محترم متأسفانه بیانات من تمام شده و جلسات مجلس شورای ملی بیشتر شباخت بیک سکالسی دارد ، ما موقعی که در رس میخواهند بیه متصصل در فکر این بودیم که ساعت تمام بشود ، دو مدارس هالی این ساعت را تبدیل میکنند بیک ساعت و نیم ، در داشتکده فنی که خودم تبریس میکنم بیک ساعت و نیم امتحن ، ولی در مجلس شورای ملی متأسفانه این مدت محدود است ( نایاب کان - بفرمائید آقا ) این بسته به نظر آقایان است ( نایاب کان - بفرمائید ) ( دهقان - اگر خودتان خسته شده اید بحساب مانگه اید ) من از آقایان تقاضی می کنم که آقایان حوصله کنید و من تمام میکنم ( هبدالرحمن فرامرزی - امروز تمام کنید آقا )

وقتی گفتند کشتن - چون از شمشود شد و صدور آن از ایران کم شداینکار مشکل شد بالنتیجه توجه همه فاچاقجهای آمد بصرف داخله آقای من نبادولت آقای نهاده به بادولت قبل نه بادولت آقای قوای سلطنه کار ندارم یکی از وزنامه ها که بن لطف کرده بودند نوشته بود این دولتهای گذشته من کی گفتم دولتهای گذشته می گفتم که با این طریق کار دولتها مخالفم - شما میگویند مثل کسی در تهران و افور نمیکشد ؟ موقع دیکتاتوری مایک حرفاها می شنیدیم که ما که عقدها میدیدند ولی میگفتند نمیشود بشاه هر ض کرد - من جمله شاه گذشته وقتی رفت به ایندران کارخانه ها و دهات خودش را بازرسی کردید تمام اهالی بیدم شده اند فهمید این از تریاک است گفت این را اینجا قدمگاه کنید در تهران و قم و مازندران و گرگان دستورداد قدمگاه کردند اما نتیجه چه شد ؟ معتادین آنجا البته نمیتوانند فوری ترک کنند فردا صبح امر شاه در آنوقت هم برای معتاد مؤثر نبوده باید بپرید و باید تریاک را پیدا کنند از هر کجا بود پیدا میکردند و میکشیدند از کجا پیدا میکردند ؟ از فاچاقجهان اما هر چه ما میرفیم باز ندران کاهی موقع مأمورین آقای آزیز پیشکار دارائی آنچه بود که مردرستی هم بود آن موقع و حالا هم است با آنها درد دل میکردید میگفتیم آقا اینها که میگشند چه لزومی دارد که شما اسمش را میکنارید فاچاق و هی اتوبیل را میکردید ؟ آنها میگفتند که آقا اعینحضرت فرمودند با این حضرت نمیشود هر ض کرد، ما هم البته یک منطقی داشتیم میگنید اینها هم در کارهایش مبکنده هجیج نمیگفتیم و میگفتیم خلی خوب اما ذهن من فشار میداد و فکر میکردم با این که مردم میگفتند چرا میگویند در آنجا نیاورند البته غوراً در مازندران و قم و گرگان و تهران قیمت میرفت بالا غوراً فاچاقجهان مجهز شدند خدازنده اش بیاراد من رقنم از یات نفر از این حاجیان در بهشهر پر تقال بخیر من ساعت پنج بآنچار قفار او هم فدری دیر آمد گفت فدری تندتر پردار بود گفتم که چرا گفت هلتی اینست که من باید بکشم این حرف حاجی بود در زیرزمین پیغم بیاند بکشم این حرف حاجی بود در زیرزمین منزلش ، این وضع در زمان دیکتاتوری بود حالا یک مرتبه در حکمران و گرگان و مازندران و خراسان در تمام ولایات ایران میگویند تریاکی نبست ؟ هست یا نبست ؟ آخر اینکه شمده بازی که نبست ، من عرض کردم یدر و مادر خودم تریاک میخوردند، برادر خود من هم تریاکم بخورد، تریاک دارد و میخورده این تریاک از کجا میآورد این را تابع ایران میدانید یا خیر ؟ اگر تابع مملکت شما نبست تذکره بدهید اگر تابع مملکت شما گناهکار است بگیرید بحیث کنید برود حبس این عبی ندارد، آقا شما نه او را حبس میگردید نه بیرون می گنید هه معاویه و مدواهی در دسترس مردم میگذرد و بعد میگویند شما فاچاق ها را تشویق و تقویت هم میگویند شما فاچاق هایی هم میگویند مثل ما هستند ؟ آنها میگشند. ما هم خلی ها را میگشیم . حبس میگنند ولی هم اش حرف است - نه حبس میگشند ندارد میرنیم - ولی آنچا در زاین و شاید حتی چین

تریاک را قنفون کردن و فاچاق چیان را باهدام باهدام آقا محاکوم میکنند درنتیجه از همان ۵۰-ال قبل کشت تریاک در ایران قدری کم شدابته ایران کدر ابتداء کشت تریاک دو بازدید بود حتی شنیدم در زمان امیر کبیر یک موافقی زیاد کاشته بودند که حتی بعضی متخصصین فلاحتی وقت گفتند شاید که بود غله هم در نتیجه این باشد که کشت تریاک زیاد شده باشد ولی معلوم است که کسی که میخواهد زمین را حاضر کند برای کشت تریاک باید آب و بول و زمین را تهی بگذارد پس این مال سالهای گذشته اما در آن تاریخی که ۵۰ سال پیش ملل اروپائی بواسطه یوشیو امپراتور چه اشکالی دارد که تقویت بکنیم کشت را «امان گل» نام میگیرند میزان صدور تریاک از ایران کم شد و بعضی از این آقایانی که صاحب تریاک بودند پس این هیئت حاکمه وقت گفتند که ماتریاک را صادر میکنیم برای صدور چه اشکالی دارد که تقویت بکنیم کشت را «امان گل» نام میگیرند میزان صدور تریاک از ایران طوری شده که اگر کسی مصرف تریاک را هم یعنوان مأمور مایه از محل کم صورت میدارد این مأمور را توبیخ میکرددند. (صحیح است) این توبیخ ظاهرا دلیل منطقی هم داشت میگفتند یس فاچاق میگفتند این هم شد اصطلاح چون تمام کارهای را که هم و کلام وزراء همه شرکائشان میگذارند یا که منطق ظاهری و فریبند را ایلان مینها یا نشانه از میگویند در ایران سه کرورو معناد است بنده رقمش را تعقب علی نیدام ولی میگویند یک میلیون و نیم یک میلیون ایران پیش از ۱۵ میلیون بضرر من جمعیت نیارد و از آن قسم هم چون زن و بچه را میگزرا کنند مخصوصاً در سین کودکی یک میلیون و نیم یک مقدار عجیب است یعنی اگر فرض کنیم ۴ میلیون جمعیت سالم در ایران هست یک نتش اصلاً تریاکی است کجا بیشتر میگشند آقا؟ در خراسان در سیستان در مرکزان مخصوصاً سامکران در بنادر جنوب (عبدالرحمن فرامرزی) - در بنادر جنوب خیلی کم است در رشت و مازندران در ایران جانی که معناد نیستند یکی فقایه ها هستند فقایه ای هم معناد نیستند کم معناد هستند یکی اکراد، اکراد هم ایل نشین هستند فقایه ها تریاک کار هستند ولی معناد نیستند اکراد هم نتش این است که اکراد اهل تسنن هستند آخر منصب تسنن ظاهرا این را خلاف میدانند گذاهید انتد کش از این حیث هم این را تعجب میگردیم من که گناهی داشم امادر تهران او لا آقایان خواهش میگنم تو же به مراثید در قانون استخدام استخدام هضوایونی منوع است ولی مگر ما نیدانیم که تمام دستگاه های دولتی ما مطلع است از اخواهوری اینها تبعه ایرانند اینها برادران و قوم خویشان ما هستند چه کاری است که سریوش میگنیم آقا اینها وافوری هستند مخصوصاً در مقامات همه و بنت و آمار لاتند ولا تخصی است ولی خوب من اطلاع دارم عرض کنم آقا آنطور یکه بعضی اطبای بیکوین در ایران یونجهزار نفر البته این رقم را هم بنده تایید نمیکنم مردم میگویند یونجهزار نفر بطور متوسط بوسیله تریاک خود کشی میگذارند ولی من اینها را همیلت نیدهم چون آن خود کشی در تسبیح همین امور اقتصادی همین امور منونی و میاسی است اگر تریاک نباشد میر و نه طناب باندازند این چیزی بست و الا در خود کشیده بیک در صد تسبیح احساسات و هشق نیست، فقر و بیچارگی واستیصال. خجالت

اصول علی باید آنرا با يك بر نامه صحیح شروع گنند و بکنند و الا  
بگویند در بين الملل ماقول دادیم و طبق کاغذ نوشته ایم  
و اینرا مخواهیم گفتیم این دوای در در مردم من شود از  
حرفه ای که من بر علیم مر سود داور دارم گفتش این است  
که آن مر حومه در رشته کار خودش جنان کم شد چنان  
که بیکم شد در دستگاه دیکتاتوری با آنکه به ملت  
ملاقه نماید باداهم صرف تراکت را تقویق می کردم برای  
چه برای اینکه خرج داشتم تجهیزات شون و خرج  
کار خانجات اقتصادی و صنایع و مادن داشتم یا بدیهی گفتند  
حساب کنند آخر این اقتصاد مملکت است این حساب را کسی  
میگنند که اگر تریاک برود کار مملکت چطور میشود میگند  
من گویند که در فضای تریاک کاریم چطور میشود اولاً  
دو صصال پیش فاصله خود را بود و الله بتر آباد تر مردم  
آن مر هست بعلاوه فرض میگیریم او ایل منع کشت یک طبقه  
یک فکری صدمه می بینند خوب یعنی پنهان میشود مملکت را  
با بدینام ملت در ش حکومت کرد باز اینکه چند نفر  
صدمه می بینند چند نفر فاچاقی متازه میشوند که اسامی  
آنها را من اینجا دارم و خواهش می گشتم که اصرار  
نگیرد که من اسامی شان را بگویم من بامتنع جواب  
میخواهم اگر برای ملت وزارت میگنند مملکت را از  
دست فاچاقی خلاص کنید و الامن که با اصل تریاک در  
مملکت کامل مخالفم حال برای خلاصی مردم صلاح میدام  
از ادب گذارند این باداشت هائی که رسیده هم مفید است  
وی من هم خسته هستم .

**۳- موقع و دستور جلسه بعد - تعطیل جلسه**  
**رؤیس -** بیشنهادی آقای دکتر بقائی دادند  
قرائت می شود  
مهندس رضوی - بنده خودم ساعت ۹  
آمد مجلس کسی نبود رقت ساعت ۹ آمد کسی  
نبود من چه تقصیری دارم ؟  
( بیشنهاد آقای دکتر بقائی بشرح زیر قرائت  
شد )

ریاست معظم مجلس شورای اسلامی بیشنهادی گفت  
جلسه بعنوان تنفس ختم شود و جلسه بعد بصیر شبه  
موکول گردد  
رؤیس - یک چیز هست که اگر آقایان همان  
روزهای مقرر را بیانند سروت ۴ ساعت کار میشود  
حاله میگساعت و نیم بعد از ظهر است جلسه را ختم  
من گفتم جلسه آیندروز شنبه ساعت ۹ صبح (یک ساعت و نیم  
بعد از ظهر جلسه بعنوان تنفس ختم شد )

است بروید آنها اجازه بدهید کنترل پکنند گفته  
کنترل نمیشود خوب يك چند نفری هم آنچه استند  
این را من قبول دارم آنرا میگویند و بیشتر  
اما حالا که همه مملکت فاچاق است آقا در نام ایران  
تریاک می گشند تریاک مخورند در تمام ایران هم  
این کلا فاچاق است آن کلانی که تاجر وارد  
مو کنند برای او يك نومان تمام میشود به نومان  
مبغروشد آن فاچاق بست برهکس خیلی خوب کالائی  
است اما این تریاک و تریاک فاچاق است آقا این  
خیلی مضع است در روزنامه مبنیستند چند روز  
بیش در روزنامه نوشته بودند در روزنامه اصلاحات که  
یست نسخه رساندار یک مقداری تریاک فاچاق  
کشف کرده مثل این بود که در خراسان است  
او را نیوم بدمست آورده باشید چیز عجیبی  
است شما میگویند در ایران تریاک خود و تریاک  
کشن و تریاک بخور نیست ، شما که معلمین  
شما کم بوقید ملت کم بوقی است این چه کاری است  
این چه صحنه سازی است که بنام حکومت بر مردم  
تجھیل میگنند این مشروطیت است ؟ تریاک که بدست  
همه میسد ولی گران میسد این اداره منع کشت  
تریاک هم که هست من از آن دستگاه های فاسد و بد  
میدانم اصلاح منع کشت تریاک را فکر نگنند من  
میخواهم در اینجا نسبت باین اشخاص یک نفر یادو  
نفر صحبت کنم اساساً این دستگاه فاسد است برای اینکه  
اگر فاسد نباشد و دستگاه مرتب باشد وضع باینصورت  
هر چند آید ، آن مادر اداره هم می بینند در اینملکت  
نان باید ، خانه باید انواعی باید و فرمان و مدار  
باید چه باید بگند باشد شریل فاچاقی ها بشود آخر  
بد است این مملکت از دست میورد ، شاهزاده این کار  
را میگنند شما باین ترتیب مصرف گشته و ابد است  
فاچاقی سپرده اید اشایا بگویند آزاد است دو  
مملکت تاجر هم بروید بخورد و صادر یکند من حرفی  
ندازم من مخالف نیستم چه شما بگویند تریاک  
آزاد است تاجر بخورد مردم هم بخورد من حرفی  
ندازم یا اینکه بگویند تریاک را حقیقت من میخرم  
و من یم بمردم میدهم ولی خدا گندک این فکر در  
کله تان نمایند چون این همان میشود که هر روز اکم  
میگند و تقاضی زیاد میشود بازار میباشد درست میشود  
و باز فاچاق تقویت میشود . یا این که اگر حقیقت  
میخواهید مطالعه ترک تریاک که بگنند مطابق

میگنند که این تریاک به ترین اقسامش بهمان هامیزد  
اما تبعه ؟ تبعه ایشان این میشود که یون آنها یافته  
مصرف میشود شما خیلی میگنند که این بول گیر  
زارع میباشد ؟ گیر تریاک کار میباشد ؟ بصوری که  
مطالعه شده از ۲۰۰۰ تن قیمت خربزداری کا از ازارع و مال  
شده بانصد تا ۳۰ میلیون تریاک بدمست اول داده میشود  
و ای برای مصرف اینده در حدود ۲۰۰۰ میلیون تریاک  
نمایم میشود . حساب من که ۱۷۰ میلیون تمام نشان  
میدهد ممکن است بیشتر از این هم باشد . این چه  
بولی است کجا است ؟ این همان است که دولت  
میفرماید به برادر تو و به عصو من که در اداره  
است چنان دارم به آن شخص که در خراسان است  
چکاردار من دولت خدمت من دولت شرکای هم نمیگردند  
آفایخجالات داردار ای آفایریا کی است تمام دنیا میگذرد  
شما اگر حقیقت پژوهانند جنیه انسانیت و تمدن بیش  
بگیرید یعنی در واقع تریاک که بطریق عنی  
و اصول صحیح که دیگر آن توصیه را تبعیض و سفارش  
را لازم نداشته باشد و وسیله سوء استفاده دوایانها  
نشود بدینهاین کاری ندارداران اضیائی هستند بیاورید  
پشانند بخرج دولت آنها فقط همان مزدرا بدیند  
اصفهان که کار کردن اضافه نمیگردند همان کسانی اضافه  
بدینه که مال مردم را بچاپند آنوقت وقتی که این دارو  
را رواج دادند در مملکت ملکت بود مثل  
قرص کنه کنه آبی که در زمان رضاشاه بدست مردم  
رسید و پوش یواش از دست مردم رفت بدست آن  
هائی که در محل مستطیع هستند طبیعت در منزل  
هر یک از اهیان که بروید بآدم میدهند من خودم  
مشکرم که چندین مرتبه استفاده کردم اما هاجون در  
 محلی که به بهداری و دادو دسترس نداشت آوردن  
دادند آخر دارو را باید بکسی داد که سلام و علیک  
هم بگند اگر توانستید یک چندین دستگاهی درست  
کنید مجهز کنید بگویند قرص هارا بین مردم  
پخش کنید این میشود یک عمل تعلیم یک همیل  
انسانی عمل یک دولتی که برای ملت این عمل میگند  
و بگویند آقا من دوسال یک سال وقت میدهم  
که ترک بگند بعد هم میگویند شما میخواهید صادر  
کنید کی با شما مخالف است بروید یک مجاطی  
و در نقاطی که حقیقت تریاک خبر است باندازه ای که  
میخواهید صدور رسمی بگنید اگر این بهانه شما